

- نام کتاب: بلیل باغ جهان حافظ
 - جلد اول؛ زندگینامه، جلد دوم؛ غزل‌نامه
 - نویسنده: محمد کاظم مرینانی
 - ناشر: نشر پیدایش
 - نوبت چاپ: اول (پاییز ۷۷)
 - تعداد صفحات: ۱۵۲ و ۷۶ صفحه
- زندگینامه

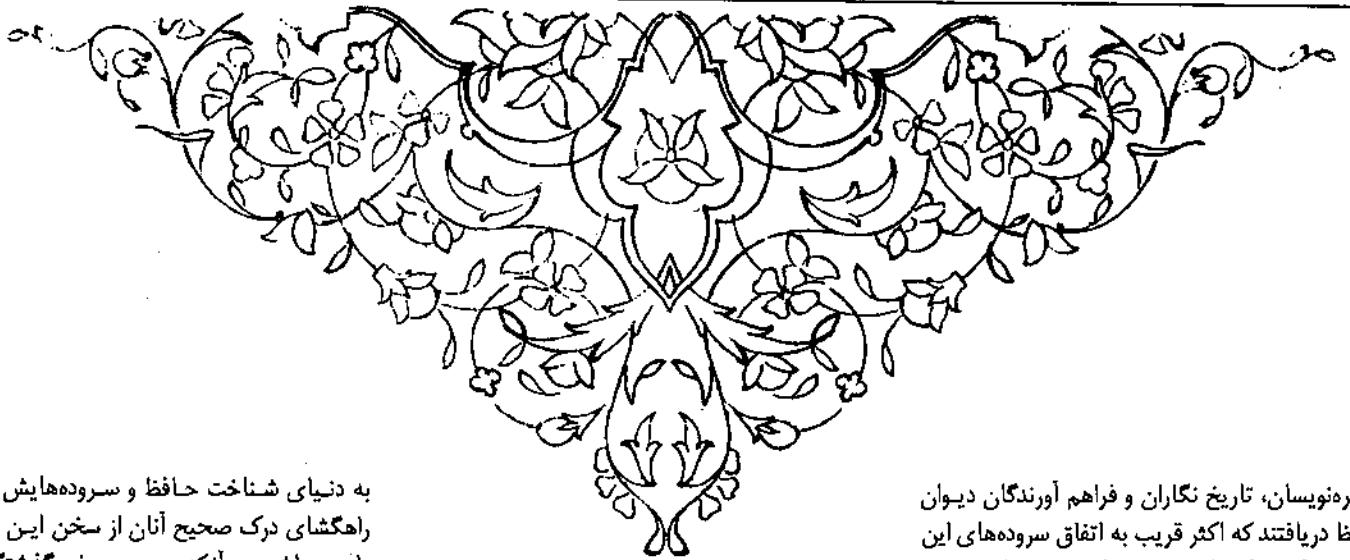
«از زندگی حافظ گفتن سخت است؛ بسیار سخت‌تر از سخن گفتن از شعرهای او. زیرا یکی از شگفتیهای تاریخ این که زندگی بزرگانی چون حافظ در پرده ابهام باقی مانده است... برای نوشتن از زندگی حافظ - آن هم به شکل روایی - بناچار باید به سراغ تاریخ رفت. اما... حافظ را در بستر تاریخ و خط خشک زمان قراردادن... کاری است که خوشایند بسیاری از کسان نیست. اما این کار در این کتاب از این رو صورت گرفته است که نوجوانان و جوانان این سرز و بوم، چهره و شخصیت تاریخی این شاعر بزرگ را بهتر و بیشتر بشناسند و با او مانوس شوند، چرا که اگر آنها با عصر حافظ آشنا شوند، به شعرهایش بهتر راه خواهند برد؛ شعرهایی که برخاسته از همان دوران است؛ دورانی آکنده از بیداد و تباهی.»

(مقدمه کتاب، ص ۷-۸)

نیاز به بازنویسی زندگی بزرگان دانش و ادب این سرزمین، با زبان روز و برای سنین مختلف، بویژه کودکان و نوجوانان امری نیست که بر کسی پوشیده باشد یا نیاز به توضیح برای اهل فن داشته باشد.

در مورد حافظ، گذشته از مقبولیت عمومی او و وابستگی و علاقه خاص و عام به سخن و شخصیت وی نکته‌ای دیگر حائز اهمیت است. از دیرباز

کتابهایی که قدر خود را ندانستند



به دنیای شناخت حافظ و سروده‌هایش می‌تواند راهگشای درک صحیح آنان از سخن این نابغه ادب پارسی باشد، بی‌آنکه همچون برخی گذشتگان خود به وادی بحثهای جنجال برانگیز و جانبدارانه یا مخالفانه بیفتند و در گرداب افراط و تفریط، بی‌دستاویزی علمی دست و پا بزنند.

بلبل باغ جهان حافظ (زندگینامه)، همان‌گونه که در مقدمه کتاب آمده، بر آن است که با اتخاذ روشی روایی در ذکر تاریخ عصر حافظ و نمایاندن جایگاه او و برخی سروده‌هایش در این روند، گامی در این راه بردارد. کتاب، شامل یک مقدمه کوتاه و فصلهایی با عنوان حافظ و شاه شیخ، حافظ و امیر مبارز، حافظ و شاه شجاع، حافظ و سلطان زین‌العابدین، حافظ و تیمور، و حافظ و شاه منصور است. در انتها نیز فهرستی از منابع و مأخذ ارائه شده است.

نثر کتاب شبیه داستانی تاریخی است که در آن شیوه نگارش روایی و توصیفی به کار گرفته شده است. در این اثر جایگاه شماری از سروده‌های حافظ در ارتباط با برخی وقایع مشخص گردیده و همه یا بخشی از سروده، به مناسبت آمده است. البته در بازنوشت تاریخ به شیوه‌های داستان‌گونه، نویسنده ناگزیر از درج اضافات بسیاری است؛ گفت و گوهایی که جای پای از آنها در تاریخ نیست، توصیف اندیشه‌ها، تخیلات و احساسهایی که گزارش نشده‌اند، فضا‌سازیهایی که تنها با اطلاعات جنبی و به مدد تخیل نویسنده می‌توانند به وجود آیند و ... کتاب با همین ویژگیها می‌کوشد که خواننده را با خود به قلب وقایع ببرد و احساس لازم را در او برانگیزد. به دور از دیدگاههای سلیقه‌ای و قابل بحث درباره شیوه نگارش و پرداخت وقایع باید گفت که کتاب در این زمینه‌ها به موفقیت‌هایی دست یافته است و میل و رغبت لازم را در خواننده برمی‌انگیزد و او را با خود به انتهای هر فصل می‌کشاند، اما کاستیهایی بزرگ و کوچک و فارغ از دیدگاههای فردی و سلیقه‌های شخصی در کتاب به چشم می‌خورد که در چند عنوان به آنها اشاره می‌کنیم.

اشتباه‌های تاریخی

در این کتاب از ذکر صریح سال تولد حافظ اثری نمی‌بینیم (مشهور ۷۲۶ ه. ق. است که برخی نیز تاریخ درست را سالهایی پیش از این می‌دانند). اما در جایی می‌خوانیم که حافظ «در سال ۷۴۰، دوازده ساله بود»

◀ در شناخت شعر حافظ بر اساس شخصیت او، زندگی خانوادگی، علمی، اجتماعی، سیاسی او اهمیت می‌یابد، و در شناخت حافظ بر اساس سروده‌ها، «اصالت حقیقت» و «حجیت ظاهر» که از اصول شناخت معانی سخن است.

◀ از دیرباز تذکره‌نویسان و تاریخ‌نگاران دریافته‌اند که اکثر سروده‌های حافظ، به گونه‌ای صریح یا ضمنی، وابسته به رویدادی فردی یا اجتماعی و دارای مصداق‌های عینی در زمان حافظ است.

تذکره‌نویسان، تاریخ‌نگاران و فراهم‌آوردندگان دیوان حافظ دریافته‌اند که اکثر قریب به اتفاق سروده‌های این شاعر بزرگ به گونه‌ای صریح یا ضمنی، وابسته به رویدادی فردی یا اجتماعی و دارای مصداق‌های عینی در زمان حافظ، و در آمیخته با اشخاص و وقایع است. این امر در حقیقت، خواسته یا ناخواسته بیانگر این نکته است که درک شعر و شخصیت حافظ، جز با آگاهی از تاریخ سیاسی و اجتماعی دوران شاعر و سوانح زندگی او امکانپذیر نیست. نگاهی تاریخی به حافظ و سروده‌هایش پاسخ این پرسش را خواهد داد که فرازمانی و فرامکانی دیدن همه سروده‌های حافظ و ارائه تأویلهای خلاف ظاهر از شعر وی، نظریه‌ای اصیل، مستند و دست اول است یا دیدگاهی نو، دست دوم و بدون پشتوانه پژوهشی روشمند. آنچه مسلم است، اگر سروده‌های حافظ را با نگاه به فضا، زمان، مکان، اشخاص، شخصیتها و رویدادهای زندگی فردی و تاریخ اجتماعی و سیاسی معاصر او بررسی کنیم، بی‌نیاز به ذره‌ای تکلف و تصنع و تأویل، همه معانی را در جای خود خواهیم یافت و به هیچ تناقض یا تناقض‌نما (پارادوکس) و دور و تسلسلی در استدلال بر نخواهیم خورد. ضمن اذعان به اینکه ممکن است در ذهن شاعر، معانی فرازمانی و فرامکانی نیز به هنگام سرودن شعری، موج زده باشد و این، موضوع نگاه دوم به سروده‌های او است.

به هر حال، اگر اصل بر شناخت شعر حافظ بر اساس شخصیت او باشد، زندگینامه و تاریخ عصر حافظ، وی را فردی اجتماعی و تحت تأثیر پدیده‌های خرد و کلان، از زندگی خانوادگی تا حیات علمی، عرفانی، اجتماعی و سیاسی می‌داند. به عکس، اگر اصل را بر شناخت حافظ بر اساس سروده‌های او بگذاریم، باید بر اساس «اصالت حقیقت» و «حجیت ظاهر» که از اصول اساسی در شناخت معانی سخن است، سروده‌های او را بر معانی معمول خویش حمل کنیم و برای موارد خروج از این معانی، استدلال و بینه و قرینه بیاوریم. با این روش نیز، جای پای حافظ را در خانه و خانواده و دشت و صحرا و مسجد و مدرسه و خانقاه و خرابات و کوچه و بازار و مجالس بزرگان و شاهان و عالمان و عارفان و عارف مسلکان خواهیم دید.

آگاهی نوجوانان از این شیوه منطقی و این باب ورود



خیانتی دیگر. سرانجام شیخ ابواسحاق به پنهان تهیه و ترتیب وسایل پذیرایی و غیره از ملک اشرف، زودتر از او وارد شیراز می‌شود و ملک اشرف، بیرون شهر خیمه می‌زند. شیخ ابواسحاق با کمک مردم شهر بر لشکر ملک اشرف حمله می‌برد و آنها را فراری می‌دهد. تفصیل بیشتر ماجرا را در صفحات ۴۵ و ۴۶ کتاب بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، جلد اول، تألیف شادروان دکتر «قاسم غنی» بخوانید.

غرض اینکه گذشته از اشتباههای تاریخی، اگر ذکری از خیانت پیشگی ملک اشرف چوپانی در این ماجرا به میان نیاید، طبیعی است که خواننده به نیرنگ‌بازی و پیمان شکنی شیخ ابواسحاق حکم کند.

۳. در متن کتاب و گاه نیز در سروده‌های حافظ، واژه‌های رند، خراباتی (ص ۲۱)، خرابیات (ص ۴۶، ۴۳)، محتسب (ص ۴۵، ۴۵، ۵۰)، پیرمغان (ص ۵۰)، فی‌الجمله (ص ۵۰) و از این دست به کار رفته است که در نثر ویژه نوجوانان و جوانان، از آوردن آنها باید پرهیز کرد یا در صورت لزوم، باید توضیح لازم را به همراه آن آورد.

کاربرد منابع و مآخذ

۱. فهرست منابع و مآخذ در آخر کتاب، تنها شامل

ذکر نام کتاب و مؤلف آن است. برای نمونه: «سفرنامه ابن بطوطه» یا «روضه‌الضفا: میرخواند».

بهرتر این بود - و هست - که فهرست منابع و مآخذ حتی در آثار مربوط به کودکان، نوجوانان و جوانان، بر اساس استانداردهای مرسوم سامان یابد (نام فامیل مؤلف یا مترجم، نام او: نام کتاب، ... سال انتشار)، تا هم کودک، نوجوان و جوان با شیوه فهرست‌نویسی مرسوم در دنیا آشنا شود و هم این شبهه پیش نیاید که مؤلف، تنها از یکی - دو منبع به طور مستقیم و بی واسطه بهره گرفته و بقیه، منابع و مآخذ همان مصادر اولیه است و نویسنده در واقع مراجعه‌ای به آنها نداشته است؛ بویژه اینکه می‌دانیم ذکر منابع و مآخذ با واسطه، به صورتی که شبهه بی واسطه بودن مراجعه به آنها پیش آید، صحیح نیست.

۲. در این فهرست نام سه نسخه از دیوان حافظ به چشم می‌خورد. مشخص نیست که نویسنده این سه نسخه را به خاطر نقل سروده‌های حافظ از آنها مورد استفاده قرار داده است یا در نگارش زندگینامه حافظ از مقدمه آنها بهره گرفته است. در صورت بهره‌گیری از مقدمه، لازم بود صفحات مربوط، به عنوان مآخذ نقل شود، نه همه کتاب. در صورت استفاده از سروده‌های این سه نسخه، مؤلف باید در جایی از کتاب - مثلاً در مقدمه - ذکر می‌کرد که در نقل از این سه نسخه، موارد اختلاف آنها را چگونه حل کرده و با چه روشی قرأت منقول در کتاب را برگزیده است.

اشکالهای صوری

امروزه وجود غلطهای صوری در کتاب، حقیقتی است که خود را در این وانفاسی سرعت و کمی امکانات و تخصصها جا انداخته است. اما اگر نخواهیم انتظار کتاب بی غلط داشته باشیم، دست کم باید حداکثری برای این شمار اغلاط قائل شویم. این در حالی است که یک غلط یا یک ناپهنجاری صوری در یک کتاب به

۷۴۲ [که درست آن ۷۴۳ است]، با برادر امیر چوپانی [یعنی ملک اشرف چوپانی، برادر امیر پیر حسین چوپانی که در سال ۷۴۳ کشته شد] همدست و هم پیمان شد و به سوی شیراز تاخت. مردم شهر نه تنها آغوش خود که حتی دروازه شهر را نیز به رویش گشودند. این بار نوبت امیر چوپانی بود که بگریزد و گریخت [اگر مقصود امیر پیر حسین چوپانی است که قبلاً کشته شده بود. اگر ملک اشرف چوپانی مورد نظر است که ماجرای گریختن این همدست و هم پیمان مهم مانده است]. ابواسحاق پیروز مندان به کاخ یا گذاشت و دستور داد که دروازه‌ها را به روی امیر چوپانی [کدام؟] ببندد [اگر گریخته است، بستن دروازه چه معنی دارد؟]. این نیرنگ‌بازها در وجودش نهفته بود و از او مردی پیمان شکن ساخته بود» (ص ۱۸).

مطالب بالا پر از اشتباه، ابهام و تناقض با واقعیت‌های تاریخی است و از حذف پارهای از تاریخ و عدم ارائه توضیح لازم در پارهای دیگر مایه می‌گیرد. واقعیت ناگفته این است که شیخ ابواسحاق با ملک اشرف چوپانی همدست می‌شود که برادرش یعنی امیر پیر حسین چوپانی حاکم فارس را شکست دهند و فارس را تسخیر کنند. به همین منظور در آخر سال ۷۴۲ وارد اصفهان می‌شوند. امیر پیر حسین به جلوگیری از آنها می‌شتابد و نزدیک اصفهان از آنها شکست می‌خورد. او سپس می‌گریزد و طی ماجرای کشته می‌شود. شیخ ابواسحاق نیز به همراه ملک اشرف چوپانی - برادر امیر پیر حسین چوپانی - به سوی شیراز می‌شتابد، اما ملک اشرف شبانه قصد جان شیخ ابواسحاق را می‌کند و به نیروهای او حمله می‌برد و چون خیانت خود را ناکام می‌بیند، دوباره یا یکدیگر سازش می‌کنند. از این پس ملک اشرف، به دنبال موقعیت لازم برای کنار نهادن رقیب بود و شیخ ابواسحاق، نگران

(ص ۱۴). بر این اساس، سال تولد حافظ ۷۲۸ خواهد شد که مستند به منبعی نیست. پیش از این نیز می‌خوانیم: «در سال ۷۲۶... سلطان ابوسعید درگذشت و ... پسرش خسرو... بر تخت پدر تکیه زد. از حکمرانی او دو سال بیشتر نگذشته بود [یعنی در سال ۷۳۸] که برادرش مسعود... تخت و تاج پدر را از او گرفت... در این دوره مردی به نام امیر مبارز الدین مظفری در یزد حکمرانی می‌کرد... شمس الدین محمد که اکنون هفت ساله بود...» (ص ۱۲). با این ملاحظات برای تاریخ تولد حافظ سال ۷۳۱ به دست خواهد آمد که غیر از عدم استناد به منابع تاریخی، با تاریخ ارائه شده دیگر (ص ۱۴) نیز تناقض دارد.

به موردی دیگر از همین دست در شماره ۲ بند بعد اشاره شده است.

کمیوهای توضیحی

۱. نام برخی شخصیتها که گاه مکرر از آنها یاد شده، تصریح نگردیده و تنها با ذکر صفت یا نسبت از آنها نام برده شده است. برای نمونه به موارد زیر می‌توان اشاره داشت:

- «امیر پیر حسین چوپانی» که از او با عنوان «امیر چوپانی» مکرر یاد شده است (ص ۱۵، ۱۷). یک بار نیز از برادر وی با این عنوان یاد شده است (ص ۱۸) که مایه اشتباه می‌شود.

- «ملک اشرف چوپانی» که بارها از او با عنوان «برادر امیر چوپانی» نام برده شده است.

- «امیر یاغی باستی» که بدون ذکر سابقه‌ای تاریخی، از او با عبارت «حاکم سنگدل شیراز» یاد شده است و خواننده می‌پندارد که این حاکم سنگدل شخص دیگری است جدا از آنها که قبلاً یادی از ایشان به میان آمده است (ص ۲۰).

۲. در جایی آمده است: «شیخ ابواسحاق در سال



۹. افتادگیهایی که گاه به قرینه، جای خالی را می توان حدس زد و گاه نه. (مجله افتادگیها با قلاب مشخص شده است):

- مرد شاعر در یک آن [...] شعر برخی ثروتمند شده بود (ص ۲۶).

- آن مرد اگر چه [...] دربار او از همه خوشیهای زندگی برخوردار شده بود اما... (ص ۳۹).

- ... و دست و پایش را بستند. امیر مبارز مانند گاو نری نعره بکشد [؟] و به زمین و زمان دشنام بفرستد [؟] (ص ۴۸).

- همسر و پسر کوچکش را [...] اختیارش بگذارند (ص ۵۷).

- آن چنان دل حافظ را به درآورده بود. [؟] غزلی رسوایش ساخته بود. (ص ۵۷).

- ... و در جادهای بی انتها ناپدید شود. [...] برای مدتی کوتاه هم که شده شاه را به حال خودش واگذارد (ص ۷۶).

- (در پانویشت) اکسیر: در دانش کیمیاگری به مادهای گفته می شد که کیمیاگران می خواستند مس را [...] به طلا تبدیل کنند (ذیل ص ۴۹).

۱۰. غلطهای مختل معنی یا آشکار (شکل درست در قلاب نوشته شده است):

جریره (جریده) [متن و ذیل ص ۳۰] (توضیح: «جریره» به معنی گناه و جنایت و «جریده» به معنی دفتر است). کابین: قهریه [مهریه] (ذیل ص ۶۲). همایون همایونفرخ [رکن الذین همایونفرخ] (ص ۱۴۷).

گرنمایه اش [گرنامایه اش] (ص ۲۸). تیزه [تیره] (ص ۱۷). لا یعقل [لا یعقل] (ص ۳۳). بکش [بکش] (ص ۶۱).

کانیات [کانینات] (ص ۶۱). عبیدزاکانی [عبیدزاکانی] (ص ۶۴ و ۶۵). کایکرنگان [کایکرنگان] (ص ۶۶). چرخ و فلک [چرخ فلک] (ص ۶۷). بساط [بساط] (ص ۷۷). جامع التواریخ [جامع التواریخ] (ص ۱۴۷). ملا عبدالبنی [ملا عبدالبنی] (ص ۱۴۷). اشتباه جای تشدید (ص ۱۳۷، ۱۳۹).

۱۱. کمتر صفحه ای در کتاب است که از دست کم یک طرح تزئینی ایرانی - اسلامی در آن استفاده نشده باشد. این طرحها حال و هوایی قدیمی به کتاب بخشیده اند و با موضوع کتاب کمابیش سازگاری دارند.

تنها در دو مورد (صفحات ۳۱ و ۱۱۲) از بریده کتابی قدیمی استفاده شده است که دارای نوشتاری کاملاً بی ارتباط با موضوع کتاب است. جا داشت در این زمینه از بریده یکی از چاپهای سنگی قدیمی دیوان حافظ استفاده می شد.

سخنی با مؤلف و ناشر

بلبل باغ جهان حافظ (زندگینامه) نیازی است برای هر نوجوانان ایرانی، که به شیوه های روایی و خیال انگیز به تحریر درآمده است و می تواند با بازنگری و در مواردی بازنگاری و اعمال اصلاحات ویرایشی و دقت در نمونه خوانی، نه تنها پرده های از تاریخ را در پیش روی نوجوان بگشاید و او را در فضای زندگی و زمانه یکی از ستارگان پرفروغ آسمان ادبیات ایران و جهان شناور سازد، بلکه با ارائه اطلاعات صحیح و متنی دقیق،

◀ غزلهای انتخاب شده از تنوع قافیه و مضمون برخوردار نیستند.

◀ ضوابط گزینش غزلها اعلام نشده است.

◀ در بازنوشت تاریخ به شیوه های داستان گونه، نویسنده ناگزیر از درج اضافات بسیاری است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چشم می آید اما وجود هزاران کلمه درست، هیچ تحسینی را بر نمی انگیزد. در اینجا نمونه ای از این دست اشکالهای متن را که در یک نگاه به چشم می آید و نگارنده برخی از آنها را برای حدود نیمی از کتاب فهرست کرده است، ملاحظه می فرمایید:

۱. تعبیرهایی که به نظر نمی رسد مناسب کتاب نوجوان باشند، مانند: «پژواک حقیقت» (ص ۲۳) و «حسهای عریان زندگی» (ص ۲۳).

۲. لغت فرنگی «شانس» که معادل زیبای «بخت» را در فارسی دارد (ص ۳۳ و ۴۵).

۳. اغلاطی که مایه اختلال وزن شعر شده اند، با توجه به اهمیت درست نویسی شعر برای درست خوانی نوجوان. (شکل درست در داخل قلاب نوشته شده است):

- به آب دیده، خرقة ها بشوی ازمی (ص ۳۷) [؟].

- راستی فیروزه خاتم [خاتم فیروزه] بواسحاقی (ص ۳۳).

- دلا دلالت خیرت کنم به راه نجابت [تجات] (ص ۵۷).

- زانچه [زانچ] آستین کوتاه و دست دراز کرد (ص ۶۶).

- صنعت مکن که هر که صحبت [محبت] نه راست ساخت (ص ۶۶).

- با این لسان عذب که خموش [خامش] چو سوسنم (ص ۷۷).

۴. غلط رسم الخط، از موارد متفق علیه: نگهدارد [نگه دارد] (ص ۳۵).

۵. نقطه پایانی در مواردی که جمله ادامه دارد و جمله بعد، مستقل نیست:

- ایلخانهای مغول هر گوشه از این سرزمین را به کسی اجاره داده بودند. آن چنان که ... (ص ۱۲).

- مردم از رعیت گرفته تا ارباب، طوق بندگی بیگانگان را بر گردن داشتند. آن هم در سرزمینی که ... (ص ۱۲ - ۱۳).

- برای زمانی کوتاه هم که شده شاه را به حال خودش واگذارد و کمی برایش ناز کند. تا شاید قدرش را بهتر و بیشتر بدانند (ص ۷۶).

- همه فراموش کرده بودند. حتی مردمی که شعرهایش را از بر بودند و ... (ص ۷۹).

۶. علامتهای نقل قول که باز شده، اما بسته نشده اند (ص ۳۳، ۳۵، ۷۱، ...).

۷. کمبود یا زیاد بودن اعراب (تنها به یک مورد از هر کدام اشاره می شود):

- «درد فراق» (مورد زاید) (ص ۳۳).

- «محتسب» (مورد ضروری برای مخاطب نوجوان) (ص ۵۰).

۸. نبود تشدید در مواردی که به ضرورت شعر، واژه باید با تشدید خوانده شود (تنها به دو مورد اشاره می شود):

- صبح امید [امید] که بُد معتکف پرده غیب (ص ۱۹)

- می خور که شیخ و حافظ و مفتی و [مفتی و] محتسب (ص ۵۰).



اورا آیین نگارش و شیوه تدوین اثری ارزشمند بیاموزد. بدین منظور نکته‌هایی برای مؤلف و برای ناشر قابل اهمیت است.

نگارنده نمی‌داند که چه رابطه مالی میان ناشر و مؤلف و ویراستار و نمونه‌خوان برقرار شده است. اما این رابطه هر چه باشد، به هر حال اثر به نام مؤلف رقم می‌خورد و در کارنامه او ثبت می‌شود، بی‌آنکه در کنار آن بنویسند مؤلف به حق خود رسیده است یا نه. این مؤلف است که باید به اثر خویش بها بدهد.

از دیگر سو، با فرض اینکه ناشر صرفاً اقتصادی هم بیندیشد، یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد که اگر مثلاً برای یک کتاب، سیصد هزار تومان بیشتر هزینه شود و بخشی از این مبلغ به مؤلف برسد و بخشی دیگر صرف بررسی‌های کارشناسان و دریافت دیدگاه فنی و اصلاحی آنان گردد و بخشی دیگر صرف ارتقای کیفیت ویرایش رسم‌الخطی، نسخه‌پردازی و نمونه‌خوانی شود و در نهایت، اثری شسته و رفته و ارزشمند به بازار کتاب تقدیم گردد و بر اعتبار ناشر بیفزاید، بسیار بهتر از آن است که مثلاً هشتصد هزار تومان برای اصلاح غلطها و رفع کاستیها و تجدید فیلم و زینک از سوی ناشر هزینه شود و باز جای خالی خرده‌گیریهای نخستین را پر نکند.

غزل نامه

گزینش ۲۰ غزل از میان حداکثر ۴۹۰ غزل مسلم حافظ، کاری بس دشوار است. دشوار از آن رو که در دیوان حافظ حدود ۲۵۰ غزل وجود دارد که هر یک به نوبه خود، نقطه‌ای درخشان در غزلسرایی‌اند و کنار نهادن هر یک از آنها سختدلی می‌طلبد، مگر آنکه معیارهایی برای گزینش در نظر گرفته شود که کار را تا حدی آسانتر کند. بلبل باغ جهان حافظ (غزلنامه) حاوی ۲۰ غزل گزیده برای نوجوانان است که به همراه هر یک، معنی، شرح یا توضیح برخی لغات، اصطلاحات، واژه‌های کلیدی و نکات دشوار آمده است، مؤلف «تنها کوشیده است که برخی از واژه‌ها، اصطلاحات و تعبیرهای شعر حافظ را بازخوانی کند، با این امید که خواننده نوجوان یا جوان این کتاب با نگاهی تازه به غزلهای حافظ نگاه کند. زیرا در این زمانه، بسیاری از واژه‌ها بار شاعرانه خود را از دست داده‌اند؛ حتی واژه‌هایی همچون آب و آینه، چرا که ما دیگر همچون پیشینیان خود به آب و آینه نگاه نمی‌کنیم. بازخوانی دوباره واژه‌ها، به خواننده نوجوان این امکان را خواهد داد که به اندرونی پاک و مقدس شعرهای حافظ بهتر راه بیبرد، [از] رویه این شعرها بگذرد و به ژرفای ناپیدای آنها سرک بکشد.» (مقدمه کتاب، ص ۷-۸).

ضوابط گزینش

نویسنده هیچ توضیحی درباره ضوابط گزینش ۲۰ غزل از میان آن همه غزل به دست نمی‌دهد، اما آن‌گاه که سخن از گزینش به میان می‌آید، و آن‌گاه که سخن از بازخوانی برخی واژه‌هاست، و آن‌گاه که مخاطب نوجوان یا جوان است، بی‌درنگ چهارچوبها و ضوابطی در تدوین اثری با این اهداف به ذهن می‌آید. مهمترین این معیارهای گزینش را در چهار زمینه می‌توان خلاصه کرد که عبارتند از: تنوع القبایی قافیه‌ها، تنوع مضمون،

تنوع واژه‌های کلیدی و نکات شرح داده شده، هدف از گزینش آنها برای نوجوان و جوان و رعایت این هدف در گزینش.

در این نوشتار نخست به بررسی کتاب از دیدگاه این ضوابط خواهیم پرداخت.

۱. تنوع القبایی قافیه‌ها

غزلهای مسلم حافظ از نظر قافیه، همه حروف القبا را بجز ۱۴ حرف (پ، ت، ث، ج، ح، ذ، ز، ص، ض، ط، ظ، غ، گ) می‌پوشانند و دربرگیرنده ۱۸ حرف القبایی فارسی‌اند. با ملاحظه فهرستی از غزلهای حافظ، به راحتی می‌توان دریافت که هیچ حرفی خالی از غزلی درخشان نیست. بنابراین طبیعی است که هر گزینش مناسب از غزلهای حافظ که بخواهد نمونه‌ای از کل آنها باشد، ناگزیر از مراعات تنوع قافیه‌هاست؛ مگر در مواردی استثنایی که سروده‌های ارزشمندتر در یک حرف، بسی بیش از حرف دیگر باشند، به نحوی که حتی یک انتخاب از یک حرف کم غزل، محرومیت از یک غزل ناب را به همراه داشته باشد.

بر این اساس می‌توان و باید انتظار داشت که گزینش ۲۰ غزل از میان ۱۸ حرف القبایی قافیه‌ها، در غیر موارد استثنا، به صورت «هر حرف، یک غزل» به علاوه دو تکرار انتخاب از یک یا دو حرف سامان یابد.

حال نگاهی به ترکیب غزلهای کتاب از نظر قافیه آنها می‌اندازیم:

حرف الف:	غزل ۵
حرف ت:	غزل ۸
حرف د:	غزل ۶
حرف ی:	غزل ۱
جمع:	غزل ۲۰

و ملاحظه می‌کنیم که با این انتخاب، جای بسیاری غزلهای درخشان ۱۴ حرف دیگر خالی است؛ غزلهایی که اغلب مشهورتر از نمونه‌های آورده شده در کتاب هستند.

۲. تنوع مضمون

مصراع اول مطلع غزلهای مندرج در کتاب، با ذکر شماره غزل عبارت است از:

- ۱: الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها
- ۲: اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
- ۳: صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
- ۴: دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را
- ۵: ساقیا برخیز و در ده جام را
- ۶: چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
- ۷: زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست
- ۸: برو به کار خود ای واعظ این چه فریاد است
- ۹: سر ارادت ما و آستان حضرت دوست
- ۱۰: زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست
- ۱۱: عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت
- ۱۲: حسنت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت
- ۱۳: جان بی جمال جانان میل جهان ندارد
- ۱۴: دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد
- ۱۵: روشنی طلعت تو ماه ندارد
- ۱۶: دل از من برد و روی از من نهان کرد

۱۷: راهی بزن که آهی بر ساز آن توان زد
 ۱۸: کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد
 ۱۹: نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
 ۲۰: در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی
 این مجال، جای کالبدشکافی مضمونی غزلها و برآورد میزان تنوع در این زمینه را ندارد. کافی است نگاهی گذرا به متن غزلها و پیام و محتوای آنها بیندازیم و تکرار پیام و محتوا و مضمون را در بسیاری از آنها ملاحظه کنیم. این در حالی است که می توان غزلهایی دیگر را یافت که شباهتها و مضامین مشترک در آنها کمتر مشاهده می شود.

۴. تنوع واژه های کلیدی

صورت مطلوب در گزینش غزلها برای شرح واژه های کلیدی و نکات دشوار آن است که هر کدام حاوی چند واژه کلیدی باشند که در دیگر غزلها یافت نشود. با رعایت چنین معیاری در انتخاب ۲۰ غزل می توان مجموعه ای تقریباً کامل از واژه های کلیدی را با شرح آن پیش روی خواننده قرار داد و او را با فضای شعرهای حافظ و حال و هوای ذهن و زبان او آشنا ساخت.

نگاهی آماری به غزلهای ارائه شده در این کتاب، اطلاعات زیر را به دست می دهد (اعداد شماره غزلها هستند):

- غزلهایی که یک واژه کلیدی در آنها شرح داده شده است: ۵، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۸ (جمعاً ۵ غزل).
- غزلهایی که ۲ واژه کلیدی در آنها شرح داده شده است: ۲، ۹، ۲۰ (جمعاً ۲ غزل).
- غزلهایی که ۳ واژه کلیدی در آنها شرح داده شده است: ۴ (تنها یک غزل).
- غزلهایی که ۵ واژه کلیدی در آنها شرح داده شده است: ۱ (تنها یک غزل).
- غزلهایی که هیچ واژه کلیدی در آنها شرح داده نشده است: ۳، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰ (جمعاً ۱۱ غزل).

با ملاحظه مورد آخر می توان میزان عدم تنوع در گزینش غزلها را از این نظر دریافت. این میزان تا حدی است که مثلاً همه واژه های کلیدی غزل ۲۰ در غزلهای دیگر شرح داده شده و همه این موارد، در شرح و توضیح این غزل، به دیگر غزلها ارجاع گردیده است.

واژه های کلیدی شرح داده شده در این کتاب عبارتند از: آهوی مشکین، باد صبا، مو و گیسو، جرس، پیر مغان، ترکان و جوان یغما، لب لعل، کیمیاگری، آینه اسکندر، خرقة، ساقی، دیر مغان، رند، لاله خودرو، خرابات، شمع، سلیمان (ع).

اندک آشنایی با زبان و مفاهیم مطرح در شعر حافظ نشان می دهد که مثلاً جای مضمونهای آتی در مجموعه بالا خالی است: زاهد، صوفی، خانقاه، جام جم، مغیچه، محنتسب، عشق، آدم (ع)، یوسف (ع)، آب حیات، خضر، اسکندر، عهد الست، دولت، ... می شد به جای ۱۱ غزلی که واژه های کلیدی تازه ندارند، از غزلهایی بهره گرفت که حاوی واژه های بالا باشند.

۴. هدف انتخاب برای جوان یا نوجوان

هدف از فراهم ساختن گزینه ای از غزلهای حافظ برای جوان یا نوجوان، دست کم یکی از دو مورد زیر می تواند باشد:

- ۱) گزینش غزلهایی جوان پسند و با حال و هوای جوانی یا مفید برای جوان و نوجوان.
- ۲) ارائه مشتی نمونه خروار، به طوری که شناخت و دیدگاهی کلی و نسبتاً جامع و حقیقی نسبت به مجموعه غزلهای حافظ و شکل و محتوای آنها به جوان و نوجوان بدهد.

با دیدگاه نخست، می توان بسیاری از غزلهای این مجموعه را حذف کرد و غزلهایی مناسبتر به جای آنها نشانند و با دیدگاه دوم، موضوع به سه مورد پیشین از نظر تنوع برمی گردد که بحث آن گذشت.

منابع و مآخذ

کتاب فاقد فهرست منابع و مآخذ است. بنابراین مشخص نیست که غزلها از روی چه نسخه ای ارائه شده اند. همچنین مشخص نیست که اگر منابع غزلها، نسخه هایی متعدد از دیوان حافظاند، در اختلاف ضبط غزلها، چه معیاری برای گزینش قرائت مندرج در کتاب در نظر گرفته شده است. به این موارد در مقدمه کتاب نیز اشاره ای نشده است.

همچنین نامی از منابع توضیح و شرح سروده ها - حتی یک لغتنامه یا یک شرح و توضیح سروده های حافظ - در کتاب نیامده است.

شیوه شرح و توضیح

در پی هر غزل، واژه ها، ترکیبها و برخی نکات دشوار، معنی یا شرح داده شده اند. برای واژه های کلیدی و موجوداتی که به هر حال در دیوان حافظ دارای شخصیتی هستند نیز توضیح، شرح و تفسیر لازم آمده است. شرح و تفسیر و توضیح به صورتی خشک ارائه نشده است. نثر نویسنده در این بخش از کتاب روان و شاعرانه است و احساس و تخیل خواننده را برای درک جنبه های گوناگون از ماهیت عناصر گوناگون در سروده های حافظ برمی انگیزد. خواننده سیر تحول معانی و دگرگونی دیدگاه نسبت به این موجودات را درمی یابد و حیثیات مختلف وجودی آنها و جایگاههای متفاوتشان را در شرایط و ظرفهای گوناگون و با نگاههای گوناگون متوجه می شود. در معنی واژه ها نیز به برخی ابهامها و ظرافتهای کاربردی آنها در شعر حافظ اشاره شده است. موارد مشترک در شرح، به غزلهای پیشین ارجاع شده است، گرچه مشکل کوچکی در این مراجعه وجود دارد و آن این است که در فهرست کتاب، هر غزل شماره ای دارد، بی آنکه این شماره در بالای خود غزل در متن کتاب آمده باشد. بنابراین برای یافتن هر غزل، باید نخست به فهرست مراجعه کرد و شماره صفحه غزل مزبور را یافت و سپس دوباره به کتاب بازگشت و غزل را بر اساس شماره صفحه پیدا کرد.

در این بخش از کتاب، گاه برخی کاستیها مشاهده می شود. برای نمونه واژه «لولی» به «کولی»، «غربال بند»، «قرشمال» و «سوزمانی» معنی شده است (ص ۱۷) که جز مورد اول، بقیه برای نوجوانان و جوانان

هر یک از شهرهای مختلف ایران ناشناخته یا کم شناخته است. مورد اول نیز بی توضیح شخصیت و زندگی کولیا و علت توجه ادبیات ایران و جهان به آنها، دیدگاه لازم را به خواننده کم سن و سال نمی دهد. یا «زبان ناطقه» به «زبان انسانی» معنی شده است (ص ۱۸) در حالی که معنی درست آن، «زبان ناطقه» یعنی «زبان عقل» یا «زبان سخن» و «قوه تکلم و بیان» است. یا ...

اشکالهای نسخه پردازی

در نگاهی گذرا به نوشته های کتاب، می توان برخی اشکالهای نسخه پردازی را که گاه کم نیز نیستند یافت. گزارش برخی از آنها به قرار زیر است (مورد صحیح در داخل قلاب آمده است):

- حَسْبَةَ اللَّهِ [حَسْبَةَ لِلَّهِ] (ص ۴۵)، و بَارِكْ اللَّهُ [بَارِكْ اللَّهُ] (ص ۳۳).

- جزئی [جزئی] (ص ۵۷).

- گروهی [گرو] (ص ۷۵).

- واژه گویی [واژه «گوی» یا: واژه گوی] (ص ۶۶).

- نقطه اضافه در وسط جمله یا بین دو جمله پیوسته:

همان گونه که می شد خنجری را در آن پنهان کرد. یا کیسه ای پول در آن گذاشت [...] پنهان کرد یا [...] (ص ۵۲).

این مرد افسانه ای که هم پیامبر بود و هم پادشاه. توانسته بود... [...] و هم پادشاه، توانسته بود... (ص ۶۸).

- بر برگ گل به خون شقایق نوشته اند:

کان کس که پخته شد می چون ارغوان گرفت [...] نوشته اند. ک: ان کس که [...] یا [...] نوشته اند (بدون دو نقطه) کان کس [...]

- با این همه رندی، هدیه و سرنوشتی است ازلی [با این همه، رندی] [...] (ص ۴۳).

اغلاط نمونه خوانی

برخی غلطهای مرتبط با نمونه خوانی کتاب در زیر ارائه می شوند. برخی موارد، معنی را کاملاً تغییر داده اند (مورد صحیح در داخل قلاب آمده است):

باز شاعرانه [باز شاعرانه] (ص ۷): رویه این شعرها بگذرد [از رویه] [...] (ص ۷): می آویختند [می آمیختند]

(ص ۱۰): ساقی شاعرانه ترین چهره ساقی شعرهای حافظ است. [؟] (ص ۳۰): سرم به دنیا و عقبی فرو نمی آید [...] (ص ۳۳): حسبته لیلَه [حسبته لیلَه] (ص ۴۶): من اگر نیکم و بد [...] نیکم و گر بد]

(ص ۳۹): حافظ ار بر صدر نشیند [...] ننشیند] (ص ۴۵): هر شبمی در این ره، صد بحر آستین است [...] آستین است] (ص ۵۵): ایهام داد [ایهام دارد] (ص ۶۲).



ارائه گزینه هایی از شعر حافظ همراه با معنی، شرح و توضیح و تفسیر نادانسته ها و دشواریهای درک آن برای نسل جوان، خدمتی ارزشمند در زمینه پیوند جوان امروز با پیشینه فرهنگی خویش است. این خدمت آن گاه می تواند اثربخشی و ثمردهی بیشتری داشته باشد که سیاستگذارهای قوی آن را پشتیبانی کنند و دقتهای اجرایی به آن استحکام بخشند. □